



# فصلنامه اندیشه حقوقی معاصر

www.lthjournal.ir



دوره سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۱

## حضور نماینده دادستان در دادگاه و تأثیر آن بر دادرسی عادلانه

باقر شاملو<sup>۱</sup>، علیرضا ساییانی<sup>۲</sup>، محمدرضا ناظفات<sup>۳\*</sup>

۱. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد بندر عباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندر عباس، ایران.

۳. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد بندر عباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندر عباس، ایران. (نویسنده مسؤول)

### چکیده

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۸-۴۵

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: .....  
.....

تلفن: .....

ایمیل: m.r.nezafat1400@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۷

تاریخ ویرایش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

برابری سلاح، جلسه دادگاه، دادرسی عادلانه، قانون، نماینده دادستان.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

**مقدمه**

ویژگی‌های یک دادرسی عادلانه، به بررسی موضوع تحقیق پرداخته می‌شود.

**۱- مفهوم‌شناسی تحقیق****۱-۱- مفهوم دادرسی عادلانه**

دادرسی عادلانه وصف ترکیبی است که برای ارائه تعريف دقیق از آن، واکاوی هر جزء آن مفید به نظر می‌رسد. دادرسی به معنای «رسیدگی و تصمیم‌گیری قضایی درباره موضوعات میان طرفین دعوا، چه امور حکمی و چه موضوعی، در دادگاهی صلاحیت‌دار» یا «رسیدگی قضایی به امور موضوعی و حکمی میان طرفین، در دعوای کیفری یا مدنی، نزد دادگاهی صلاحیت‌دار» (فضائلی، ۱۳۸۹: ۴۷)، به کار رفته است. مفهوم عادلانه نیز به عنوان جزء دوم وصف ترکیبی دادرسی عادلانه در لغت به معنای «رفتار برابر و مطابق با قواعد و حقوق با هر شخص یا طرف» یه به معنای «معقول و عادلانه یا متناسب با شرایط» است، لیکن در ادبیات قضایی و در لسان حقوقی به معنای دارا بودن وصف بی‌طرفی و درستی، عدم تعییب و جانب‌داری و نفع شخصی، عادلانه، منصفانه و برابری میان طرفین دعوا به کار برده شده است (فضائلی، ۱۳۸۹: ۵۰). به طور کلی دادرسی عادلانه شامل مجموعه معیارها و تضمیناتی است که به منظور رعایت حقوق طرفین در فرایند دادرسی انواع دعوی نزد دادگاهی صلاحیت‌دار، مستقل، بی‌طرف و قابل پیش‌بینی در مکانیزم قضایی پیش‌بینی شده است (رسمی و همکاران، ۱۳۸۹).

**۱-۲- اصول دادرسی عادلانه**

دادرسی عادلانه شامل مصادیق متعددی است که هر فردی در فرایند دادرسی اعم از کیفری و مدنی از آن برخوردار است. برخی مصادیق دادرسی عادلانه از جمله حق دادخواهی، دسترسی به دادگاه‌های بی‌طرف و مستقل و... عمومیت دارند و در انواع دعوی مدنی و کیفری قابل اعمال هستند و برخی دیگر از جمله اصل برائت، تفهیم اتهام و... ناظر بر دعوی کیفری می‌باشند. در این قسمت نیز به تضمینات عمومی و تضمینات ناظر بر دعوی کیفری به عنوان اصول دادرسی عادلانه می‌پردازیم.

**۱-۳- تضمینات عمومی**

تضمینات عمومی شامل حق دادخواهی، استقلال و بی‌طرفی مرجع رسیدگی، برابری امکانات دفاع، برخورداری از تسهیلات

یکی از ویژگی‌های نظام‌های دادرسی مختلط که نظام عدالت کیفری ایران نیز به این نظام شباهت دارد، تفکیک نهاد تعقیب، یعنی دادرسرا، از دادگاه است. این تفکیک که به منظور رعایت اصل بی‌طرفی پیش‌بینی شده است؛ مخصوصاً این است که دادرسرا و مقامات آن، بازپرس و دادستان، تحقیقات مربوط به جرم را تکمیل کرده و در صورتی که مقام تحقیق اعتقاد به مجرمیت متهم داشته باشد، با صدور قرار جلب به دادرسی و متعاقب آن در صورت موافقت دادستان، با صدور کیفرخواست، از دادگاه برای وی، درخواست مجازات می‌کند. رسیدگی در دادگاه کیفری ترافی بوده و قاضی دادگاه کیفری می‌باشد در عین بی‌طرفی با توجه به ارزیابی دلایل طرفین دعوا، یعنی دادستان یا نماینده او به عنوان نماینده جامعه، بزه‌دیده و متهم حکم مقتضی را صادر کند (قورچی‌بیگی، ۱۳۹۵: ۱۰۴).

اصولاً دادستان باید با حضور فعالانه در جلسه دادگاه، هم از کیفرخواست خود دفاع نماید و هم با حضور در طول جلسات دادگاه، در مقام دفاع از کیفرخواست خود، به ترافی با متهم درآید. در عمل، در نظام کیفری ایران و در دادگاه‌ها، دادستان یا نماینده وی یا حضور ندارند و یا حضور فعالانه ندارند و دادستان خود را مجاب به دفاع از کیفرخواست خود نمی‌داند. صرف‌نظر از مسائل مربوط به کمود نیروی انسانی و محدودیت‌های عملی که نمی‌تواند دلیل موجه باشد، یکی از دلایل عدم حضور فعال دادستان در جلسه‌های دادگاه، می‌تواند ریشه در تشکیلات ساختاری نظام دادرسی کیفری ایران داشته باشد؛ انتساب دادستان و قاضی دادگاه کیفری از طرف قوه قضائیه تا حدودی اصل تفکیک این دو نهاد را که به آن اشاره شد، مورد تردید قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، این ذهنیت در نظام کیفری و در میان دست‌اندرکاران این نظام شکل گرفته است که نظر قاضی دادگاه نیز به نظر دادستان نزدیک است؛ این ذهنیت موجب تحمل تلاش دوچندان به متهم برای اثبات بی‌گناهی خود می‌شود (قورچی‌بیگی، ۱۳۹۵: ۱۰۵)؛ هرچند که امروزه اتخاذ تصمیمات و آراء قضایی محاکم کیفری برخلاف نظر و قرارهای نهایی صادره از سوی مقامات دادرسرا، این ذهنیت را تا حدودی مخدوش کرده است. اصولاً حضور دادستان یا نماینده او در دادرسی از عوامل مهم یک دادرسی عادلانه و رعایت هرچه بهتر حقوق بزه‌دیده و بزه‌هکار است. در این مقاله با بررسی مبانی، شرایط و آثار حضور نماینده دادگاه و

#### ۶- برابری امکانات دفاع (تساوی سلاحها)

تساوی سلاحها حکایت از برابری طرفین دعوا در برخورداری از امکانات مساوی جهت دفاع از خود دارد که به موجب آن طرفین باید از حداقل‌های حقوقی برخوردار باشند از جمله این که به طور یکسان به اسناد و مدارک پرونده دسترسی داشته باشند و از فرصت اعتراض برابر به ادله طرف دیگر برخوردار باشند. لازمه اعمال این حق نیز، تکلیف دادگاه برای استماع مدعی و ارائه فرصت‌های لازم به وی می‌باشد (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸: ۱۵). این اصل به ویژه در جایی که یک طرف آن نماینده قدرت عمومی یعنی دادستان است، اهمیت دارد و سبب می‌شود عامل قدرت مانع بر سر راه تحقق عدالت نگردد (رستمی و همکاران، ۱۳۸۹).

#### ۷- اصل تقابل یا تناظر

دو طرفه بودن دفاع و امكان اعتراض به دفاع هر یک از طرفین توسط دیگری از عناصر لازم یک دادرسی عادلانه است (بند سه ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی). این امر در دادرسی کیفری مستلزم اطلاع متهم از نوع و علل اتهام به طور قانونی و در اختیار داشتن فرصت کافی جهت تمهید دفاع است (عباسی، ۱۳۹۰: ۲۳۵).

#### ۸- حق رسیدگی حضوری و علنی

حق رسیدگی حضوری به موجب استماع دعوا و تقديم دفاعیه محقق می‌گردد و این که رسیدگی حاکم به طور علنی صورت پذیرد. علنی بودن رسیدگی‌ها به معنای امکان حضور و اطلاع عامه مردم در فرآیند دادرسی است و این اصل ناظر بر کل فرآیند دادرسی اعم از مراحل رسیدگی و صدور احکام می‌باشد. البته این حق مطلق نیست، بلکه قابل تحديد است و به دلایل اخلاقی، نظم عمومی، امنیت ملی، اقتضائات و منافع و مصالح زندگی خصوصی افراد از جمله عوامل تحديد‌کننده حق علنی بودن رسیدگی‌ها است (ساینمونیدس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰: ۳۷). تشخیص ضرورت غیرعلنی بودن جلسات رسیدگی به عهده دادگاه است (رید، ۲۰۰۴: ۹).

#### ۹- حق تجدیدنظر خواهی

چنین حقی امکان حمایت از افراد در برابر اشتباهات قضایی را فراهم خواهد کرد. به موجب بند پنج ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی

و مهلت کافی دفاع، حق رسیدگی حضوری، حق تجدیدنظر خواهی، حق رسیدگی علنی، حق رسیدگی در مهلت معقول و اصل تقابل یا تناظر است.

#### ۱۰- حق دادخواهی

وجود حق دادخواهی اقتضا می‌کند که هر فردی بتواند در زمانی که حق قانونی وی تضییع شد، به مرجعی صالح دسترسی داشته باشد و تظلم خواهی کند. مبنای وجود چنین حقی، اصل تساوی همگان در برابر قانون است که امکان دسترسی مساوی به دادگاه قانونی و صالح را نیز فراهم می‌نماید. به این ترتیب هیچ‌گونه تبعیضی براساس رنگ، جنس، نژاد، مذهب در دسترسی به دادگاه و مرجع رسیدگی قابل قبول نیست (ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ۱۳۹۰: ۲۲۶).

#### ۱۱- استقلال و بی‌طرفی مرجع رسیدگی

استقلال به معنای مصونیت از نفوذ و کنترل سیاسی و اجرایی است و شامل استقلال دادگاه به لحاظ ساختاری و اعمال صلاحیت و استقلال قاضی در مرحله انتصاب و در مقام انجام وظیفه است. بی‌طرفی نیز به معنای عدم پیش‌داوری یا جانبداری از یک طرف دعوا، حزب، گروه یا قوم خاص است و به عبارت دیگر قضاوت و هیأت منصفه نفع یا بهره شخصی در پرونده خاص نداشته باشند و فارغ از پیش‌فرض به موضوع رسیدگی کنند (رستمی و همکاران، ۱۳۸۹). یکی از نشانه‌های بی‌طرفی و استقلال دادگاه این است که به موجب قانون تشکیل گردد (ماده ۱۴ بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی و ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر). قوه قضاییه به عنوان خامن برقراری عدل و مرجع تظلم خواهی عنصر مهمی در حمایت و پشتیبانی از حقوق و آزادی‌های مردم یک جامعه تلقی می‌گردد. نحوه نصب دادرسان، غیرقابل عزل و انتقال بودن آن‌ها و اعتبار آراء قضایی صادره از سوی آن حکایت از استقلال قوه قضاییه دارد (عباسی، ۱۳۹۰: ۲۲۹).

۱۵۶، قوه قضائیه به عنوان قوهای مستقل، پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت معرفی شده است و عهدهدار وظایفی نظری رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات، احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع دانسته شده است.

### ۱۳- نقش دادیار در دادسرا

برای بررسی و پی‌بردن به فلسفهٔ وضع و نحوه تفسیر بند «ز» ماده سه قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و اینکه قرار صادرشده از سوی دادیار چه ارزشی دارد، نقش دادیار در قیاس با سایر مقامات قضایی تبیین و سپس تفاوت مقام تعقیب و مقام تحقیق بررسی می‌شود.

### ۱۴- نقش دادستان در دادسرا

اختیار دادستان در تعقیب موضوعات مربوط به حقوق اجتماع باید بدون رقیب باشد. حفظ یگانگی اختیار دادستان در تقسیم‌بندی‌های جغرافیایی با تنظیم مقررات راجع به تشخیص صلاحیت صورت پذیرفته است.<sup>۲</sup> اما در یک حوزهٔ خاص نیز، دفاع از حقوق جامعه باید فقط بر عهدهٔ یک مقام به عنوان دادستان قرار گیرد. از این‌رو دادستان که امکان طرح دعواه عمومی را نزد دادگاه دارد و با صدور کیفرخواست با تقدیم دادخواست در موضوعات کیفری یا حقوقی اقدام می‌کند.<sup>۳</sup>

### ۱۵- ارتباط دادیار و دادستان

پیش‌بینی مقام دادیار در دادسرا برای یاری دادن دادستان در هر دو نظام کیفری و حقوقی است.<sup>۴</sup> به این ترتیب بند «ز» ماده سه قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، ناظر بر مواردی است که دادیار امر تحقیق را به عنوان یک اقدام ذاتاً قضایی بر عهده دارد. در این موارد دادیار می‌تواند نظری مستقل از نظر دادستان داشته باشد؛ امری که به موجب این مقرره «قرار دادیار» نامیده می‌شود. اما آن زمان که دادیار تکلیفی غیر از تحقیق پذیرفته، بند «ز» مذکور جایگاهی

حقوق مدنی و سیاسی در هر نوع دادرسی اعم از حقوقی، کیفری و اداری محکوم عليه حق دارد که محکومیت وی در دادگاه عالی مطابق قانون بازنگری شود. به این ترتیب اگر محکوم عليه نزد قاضی علیه قاضی دیگر اقامه دعوا نماید و ادعا کند که حکم قاضی اول ناعادلانه بوده بر قاضی مخواهد واجب است که در حکم قاضی مورد شکایت تجدیدنظر نماید (محمدی گلابی، ۱۳۸۰: ۸۰).

### ۱۰- حق رسیدگی در مهلت معقول

این حق مستلزم رعایت سرعت لازم و بدون تأخیر ناموجه در رسیدگی است. تشخیص نامعقول بودن مهلت رسیدگی به اوضاع واحوال هر پرونده بستگی دارد و عموماً عناصر مورد توجه در نقض این حق و تشخیص عادلانه یا غیرعادلانه بودن مهلت رسیدگی به پرونده، شامل مقررات قانون‌گذاری ملی، پیچیدگی‌های نظام‌های حقوقی، پیچیدگی‌های هر پرونده و فنی بودن برخی دعاوی، عدم سازماندهی صحیح و مناسب دادگستری، لزوم دخالت مراجع قضایی یا اداری متعدد در جریان رسیدگی و عدم وجود نیروی شخصی مناسب، رفتار متهمن و رفتار مقامات ذی‌صلاح هستند (لیچ، ۳۹۹: ۲۰۰۵).

### ۱۱- دادرسی عادلانه در نظام حقوقی ایران

رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی از جمله مهمترین وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران معرفی شده است، هم‌چنین تأمین حقوق همه‌جانبه افراد اعم‌از زن و مرد و تضمین امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون از وظایف جمهوری اسلامی ایران است (اصل ۳ قانون اساسی). قولانی عادی نیز براساس موازین اسلامی اصول دادرسی عادلانه را به‌رسمیت شناخته‌اند. هرچند در قولانی و مقررات داخلی ایران واژه دادرسی عادلانه تصریح نشده است.

### ۱۲- دادرسی عادلانه در قانون اساسی

مطابق اصل ۳۴ قانون اساسی «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعت به آن را دارد، منع کرد». وظیفه اجرای اعمال دادخواهی به قوه قضائیه سپرده شده است تا داد مظلوم را از ظالم بستاند. به موجب اصل

۲- ماده ۵۱ قانون آین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری.

۳- به واسطه مصالحی خاص، تعقیب برخی جرایم بدون انجام تحقیقات در دادسرا مستقیماً در دادگاه انجام می‌شود (تبصره سه ماده سه قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب).

۴- تبصره پنج ماده سه قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب.

به عنوان یک امر قضایی است؛ زیرا تحقیق در یک موضوع خاص همواره باید یک متصدی داشته باشد. این استدلال برگرفته از همان گزاره عقلی راجع به لزوم وحدت متصدی در اجزای حاکمیت است. دلیل دوم آن است که در نظام حقوقی، دادسرا زیرمجموعه دستگاه قضایی می‌باشد؛ وفق ماده ۱۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، متصدیان امور در دادسرا شامل چهار مقام دادستان، معاون دادستان، بازپرس و دادیار همگی دارای پایه قضایی هستند.

#### ۱-۱۸ ارزش اظهارنظر مستقل دادیار

برخی بر این باورند که از ظاهر بند «ز» ماده سه قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب چنین مستفاد است که اظهارنظر دادیار پیش از موافقت دادستان فاقد ارزش می‌باشد (معاونت آموزش دادگستری تهران، ۱۳۸۲: ۱۴۹). این در حالی است که دادیار به عنوان یک قاضی در امر تحقیق، مستقل است؛ بر این اساس نمی‌توان اظهارنظر وی را فاقد ارزش دانست. قائلان به این دیدگاه معتقدند که از زمان موافقت دادستان، نظر دادیار ارزش یافته و به عنوان اظهارنظر ماهوی تلقی می‌شود. چنانچه مقصود از ارزش یافتن، تأثیر نظر دادیار در تعیین تکلیف نهایی تحقیقات باشد، این عقیده پذیرفتنی است؛ زیرا دادستان باید درخصوص تداوم تحقیقات اتخاذ تصمیم کند. دادستان می‌تواند نظر خود را درخصوص ادامه تحقیقات بر هریک از قضايان دادسرا اعم از بازپرس و دادیار تحمل نماید. اما اگر مقصود از ارزش یافتن نظر دادیار پس از موافقت دادستان، بی ارزشی اظهارنظر موصوف پیش از آن باشد، چنین برداشتی نادرست خواهد بود؛ زیرا اولاً اصل بر اثرگذاری هر واقعه است. دوماً آثار صدور یک سند رسمی مشتمل بر نظر قضایی و فراغت دادیار از امر ارجاع شده به وی مصون ماندن از ایراد انتظامی عدم اظهارنظر در موضوع مورد ارجاع، امری انکارناپذیر است.

#### پیشینه

ناجی زواره (۱۳۹۸) در کتاب خود ضمن بررسی و تبیین مفهوم، قلمرو و مبانی بی‌طرفی در دادرسی، به بررسی مقتنيات عملی بی‌طرفی در دادرسی کيفی می‌پردازد. همچنین به تحلیل مبانی و ضرورت‌های حضور دادستان در جلسه دادرسی و همچنین ضرورت حضور نماینده وی در این فرایند در راستای تبیین اصول دادرسی منصفانه پرداخته شده است.

نداشته و تبعیت مطلق دادیار از تصمیمات و سیاست‌های قضایی دادستان ضروری است.

#### ۱-۱۶ دادیار در مقام تحقیق

لازم‌مُه قضایي دانستن امر تحقیق، پذیرش استقلال دادیار در آن است. بنابراین نمی‌توان اختیار مداخله دائمی و بدون قید دادستان در امر تحقیق را پذیرفت. دادستان در صورت تمایل به تغییر مسیر انجام تحقیق توسط دادیار، می‌تواند انجام تحقیق خاصی را از وی بخواهد<sup>۱</sup> یا با توجه به مقررات از ارجاع پرونده به دادیار عدول کرده و تعقیب را خود بر عهده گرفته یا به قاضی دیگری از دادسرا ارجاع نماید. در آنچه مربوط به انجام تحقیقات می‌شود؛ مانند صدور قرارهای تأمین یا قرارهای اعدامی، دادیار مستقل است و نیازی به کسب موافقت دادستان ندارد.

گاهی استقلال قاضی تحقیق‌کننده در دادسرا اعم از بازپرس یا دادیار به‌واسطه قوت یافتن مصلحت توجه به حقوق عموم و لزوم دخالت دادستان محدود شود. این موارد عبارت‌اند از: مکان نظارت دادستان، لزوم تبعیت مقام تحقیق‌کننده از تعليمات دادستان، انجام تحقیقات موردنظر وی علاوه‌بر تحقیقات مدنظر خود<sup>۲</sup> و ضرورت اخذ موافقت دادستان در صدور قرار بازداشت موقت.

#### ۱-۱۷ استقلال قضایی دادیار

دادیار به عنوان پیگیری‌کننده حقوق جامعه (وکیل عمومی)، استقلال ندارد. از این‌رو برای تعقیب یک موضوع باید منتظر ارجاع دادستان باشد؛<sup>۳</sup> به عنوان نماینده دادستان در جلسه دادگاه حضور می‌یابد؛ بنابراین باید در جهت نظر دادستان برای پیگیری حقوق جامعه اقدام کند، هرچند این امر برخلاف نظر قضایی دادیار باشد. با این وجود، دادیار به عنوان قاضی تحقیق‌کننده دارای استقلال است. دو دلیل برای این امر می‌توان برشمرد: دلیل نخست، ضرورت استقلال در امر تحقیق

۱- ملاک بند «ه» ماده سه قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب.  
۲- بند «ه» ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب: «دادستان در اموری که به بازپرس ارجاع می‌شود حق نظارت و دادن تعليمات لازمه را خواهد داشت و در صورتی که تحقیقات بازپرس را ناقص بینند، می‌تواند تکمیل آن را بخواهد، و لو اینکه بازپرس تحقیقات خود را کامل بداند».

۳- ماده ۱۲ آئین‌نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مصوب ۱۳۸۱/۱۱/۹ رئیس قوه قضائیه: «[ارجاع شکایات، درخواست‌ها و گزارش‌های ضابطان به شعب بازپرسی و دادیاری و سایر امور مربوط به دادسرا با دادستان است. معاون دادستان یا دادیاران به ترتیب تقدم در غیاب وی عهده‌دار انجام تمام یا برخی وظایف و اختیارات دادستان خواهند بود]».

جستوجو در پایگاهها و سایتها اینترنتی و بانکهای اطلاعاتی و استنادی، اطلاعات مرتبط جمجمه شده و متناسب با موضوع تدوین شد.

### بحث و نظر

همان طور که در مقدمه تحقیق اشاره شد، دادرسی عادلانه و بی طرف یک حق برای هر جامعه محسوب می شود که قانون گذار و مسئولان دستگاه قضایی باید بر لزوم آن توجه داشته باشند. دادستان در نظام قضایی به عنوان کسی که در مرحله تحقیقات مقدماتی و رسیدگی می تواند نقش پُربرنگی داشته باشد و بالطبع نمایندگانی که از طرف او انتخاب شده، می توانند در این مهم تأثیرگذار باشند. در اینجا ابتدا به شرح موضوع و بیان وظایف دادستان و نماینده ایشان پرداخته و در ادامه به ابعاد دیگر موضوع می پردازد.

### ۲- وظایف نماینده دادستان در دادگاه

وقتی فردی متهم به ارتکاب جرم می شود، ممکن است در معرض خطر محرومیت از آزادی و دیگر تحریمات قرار گیرد. حق دادرسی عادلانه، تضمینی است به منظور اطمینان بخشیدن به اینکه فرد به صورت غیرقانونی و ناعادلانه مجازات نشود. هر فردی باید به طور کاملاً مساوی از یک دادرسی عادلانه برخوردار شود. دادرسی عادلانه فرایندی است که مبتنی بر برخورداری متهم از کلیه حقوق دفاعی و امکانات و شرایط برابر با طرف مقابل جهت تدارک دفاع، که نقض معیارهای آن موجب سلب وصف انصاف از دادرسی و رعایت معیارهای آن نوید بخش تحقق یک دادرسی منصفانه خواهد بود. دادستان در پی ریزی و شکل گیری پرونده کیفری نقش بسزایی ایفا می کند و عدم رعایت الزامات دادرسی عادلانه در مراحل مختلف فرایند کیفری می تواند جریان دادرسی را به سمت اتخاذ تصمیمی ناعادلانه هدایت نماید. هرچند در قانون آئین دادرسی کیفری بدون توجه به معیارهای جهانی و بین المللی درخصوص نقش اساسی و مهم دادستان بر رسیدگی های کیفری موجبات یک دادرسی غیرعادلانه را فراهم کرده است (رحمدل، ۱۳۸۸: ۱۱۰). از وظایف متعدد دادستان بسیار گفته اند. برخی حقوقدانان بر تعداد وظایف تأکید کرده و گروهی بر وظایف خاص وی

خالقی (۱۳۹۴) در کتاب قانون آئین دادرسی کیفری، یکی از ابعاد مهم تحولات صورت گرفته در نیمه دوم قرن بیستم در زمینه آئین دادرسی کیفری، تقویت حقوق دفاعی متهم از طریق تسهیل دسترسی متهم به دادرسی عادلانه است. شروع این تحولات به سال ها پس از جنگ جهانی دوم و تنظیم اسناد بین المللی حقوق بشر بازمی گردد که هدف آن ها الزام دولتها به رعایت حقوق بشر در دستگاه قضایی و تأمین شرایط لازم برای برگزاری یک دادرسی منصفانه بوده است.

قربانی (۱۳۹۰) مفاهیم آزادی و امنیت فردی را از دیدگاه اروپایی حقوق بشر مورد بررسی قرار می دهد و اصول راهبردی دادرسی منصفانه را در اسناد بین المللی به بحث و کنکاش می گیرد. یکی از این موارد به ضرورت حضور نماینده دادستان در جلسه دادرسی در راستای حفظ حقوق عمومی مرتبط می شود که نویسنده موضوع را در پرتو اسناد فرا ملی مورد بررسی قرار داده است.

نقره کار (۱۳۸۸) در خصوص بیان جلوه ها و مصاديق بارز حقوق عامه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در کتاب «نقش دادستان در صیانت از حقوق عامه» به بررسی مستند نشین جایگاه مدعی العامومی و موضوع صیانت از حقوق عامه می پردازد و به صورت خاص، به نقش دادستان و نماینده وی به عنوان یکی از مبانی مرتبط با بحث یعنی حفظ حقوق عمومی اشاره شده است.

آشوری (۱۳۷۵) در کتاب خود به بررسی مفاهیم عدالت و انصاف از دیدگاه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و همچنین به تحلیل و بررسی حق برخورداری از دادرسی منصفانه براساس ماده شش کنوانسیون پرداخته شده است و بخش هایی نیز به نقش دادستان در فرایند دادرسی منصفانه اشاره شده است.

آخوندی (۱۳۷۸) ضمن تعریف محاکمه عادلانه به بیان متون و مستندات این نوع محاکمه پرداخته و شرایط یک محاکمه عادلانه را بیان می کند.

ترشل و سامرز (۱۳۸۵) به بررسی قلمرو اعمال حق بهره مندی از دادرسی عادلانه و همچنین جنبه های قلمرو این مقرره در اسناد بین المللی پرداخته و در پایان این دادرسی، محاکمه عادلانه را توصیف و تبیین می کند.

### روش تحقیق

در این تحقیق از روش توصیفی و تحلیلی استفاده شده و روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای است. همچنین با

عهده‌دار بودن دادسرا با رعایت ترتیبات و قواعدی در کشف جرم، تحقیق و تعقیب متهم به جرم و تعیین مسئولیت مجرمان حسب مقررات قانونی، بهخصوص اقامه دعوى از جنبه حق‌اللهی و حفظ حقوق عمومی دارد و قانون‌گذار توجه و اشاره‌ای به حقوق متهم نکرده است. اما در سال ۱۳۹۲ با تصویب قانون آئین دادرسی کیفری، مقررة جدیدی احصاء و در ماده یک این قانون در تعریف قانون آئین دادرسی کیفری، رعایت حقوق متهم به عنوان یکی از ابداعات قانون‌گذار در کنار حقوق بزه‌دیده و جامعه به‌چشم می‌خورد و در ماده دو این قانون آمده است که دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد و حقوق طرفین دعوى را تضمین کند.

بنابراین با توجه به اینکه لفظ مدعی‌العموم، اطلاق بر عام داشته و متهم و مجرم را به عنوان فردی از عموم جامعه، دربر می‌گیرد و ملاحظه اظهارات متهم در مواجهه با همکاران قضایی در کسوت دادستانی و بالطبع نماینده آنان به این عبارت که شما نماینده و مدعی‌العموم ما نیز هستید و ما را نیز دریابید، دادستان و نماینده او را برخلاف رویه‌های سابق که حضور و تلاش آن‌ها در جلسات دادگاه، صرفاً در جهت دفاع از کیفرخواست و دلایل مکتبه و درخواست اشد مجازات برای متهم بود؛ بر آن می‌دارد تا ضمن رعایت حقوق وی، بهخصوص حقوق دفاعی متهم و تساوی امکانات و ابزار دفاعی (برابری سلاح‌ها) به عنوان یکی از اصول و ارکان حاکم بر دادرسی عدالته، که حقوق طرفین دعوى (متهم و بزه‌دیده) و جامعه را تضمین نماید، تلاش نموده تا علاوه‌بر تأمین حقوق بزه‌دیده و جامعه، با دفاع از متهم به عنوان یکی از عموم افراد جامعه با رعایت و اعمال اصل فردی‌کردن مجازات به عنوان یکی از اصول مترقبی حاکم بر مجازات‌ها و توجه و بازنگری در پرونده شخصیت وی و لحاظ سوابق، وضعیت روحی و روانی، خانوادگی، مهارت، سن، وضعیت بزه‌دیده و شرایط و اوضاع احوالی که موجب ارتکاب جرم شده است. درصورت استحقاق، بر روند دادرسی اثر گذاشته و موجبات بهره‌مندی وی از نهادهای ارافقی نظیر تخفیف و تعليق اجرای مجازات... و بالعكس درصورت عدم استحقاق، موجبات تشديد مجازات و متنبه کردن وی و تأمین امنیت و حقوق بزه‌دیده و جامعه را فراهم کند؛ چراکه غالب بزه‌کاران بعضاً از فقر فرهنگی یا اقتصادی، کم‌سوادی و بی‌سوادی رنج برده و هیچ‌گونه بضاعت مالی و امکانات و ابزاری برای دفاع از خویش از جمله اختیار و کیل ندارند و در برخی پرونده‌ها و جرایم

پافشاری کرده‌اند. پرسش این است که از میان وظایف متنوعی که برای دادستان احصاء شده است، کدامیک مهم‌تر است؟ اگر دادستان مخیر باشد درخصوص مهم‌ترین وظیفه خود بنویسد؛ از کدامیک یاد خواهد کرد و در میان مزایای آن چه خواهد گفت؟ در جایگاه خود، کشف جرم را می‌ستاید که پیش از همه حتی ضابطان، نقشه‌های تبهکاران را کشف می‌کند؛ رازهای مگوی جنایات را فاش می‌سازد و سرپنجه‌های پولادین مجرمان اقتصادی را در طراحی نقشه‌های خود ناکام می‌گذارد؛ یا آنکه خود را در مقام تعقیب تبیین می‌کند که بی‌واهمه، هر مقام یا فردی را تعقیب می‌نماید؛ تبعیض را کنار می‌نهد و با سرپنجه تدبیر و قدرت عدالت، ناقضان قانون را منکوب می‌کند.

آیا شأن خود در تحقیقات مقدماتی را مهمن می‌داند که در عین مبارزه با جرایم، از مقررات تخطی نمی‌کند و حقوق متهمان را پاس می‌دارد؟ شاید هم از وظیفه خود در نظرارت بر روند رسیدگی در محاکم بگوید؛ نظارتی که نقش او را در کنار تعقیب متهمان و تقاضای تخفیف یا تشید مجازات برای آنان دوچندان می‌کند؛ او می‌تواند افزون بر مدیریت قضایی در دادگاه‌ها، قوت استدلال خود را در اثبات اتهام علیه متهم به نمایش بگذارد؛ تا از حقوق جامعه دفاع کند و محکمه را در رسیدن به حقیقت یاری نماید و سرانجام، آنچاکه متهم را مستحق تخفیف می‌یابد، نگران تخریب چهره خود نیست. در این جایگاه است که دادگاه را نه به عنوان محل رفت‌وآمد پرونده، بلکه به عنوان جایگاه مقدسی می‌نگرد که صیانت از حقوق مردم در آن رقم می‌خورد؛ یا آنکه وظایف دادستان را در اجرای احکام دادگاهها به محک بگذاریم؛ همه در تلاش هستند تا حکمی صادر شود و مردمان شاهد اجرای احکامی باشند که نمایانگر مبارزه قاطع با جرم و بزهکاری است (مدنی، ۱۳۸۸: ۷۶).

از نظر سیر ترقیی از ابتدای ورود نهاد دادسرا در نظام قضایی ایران بعد از انقلاب مشروطیت و با تصویب قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰ تا احلال دادسراها و حاکمیت دادگاه‌های عام و تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در سال ۱۳۷۳ و مجدداً با احیاء دادسراها با قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در سال ۱۳۸۱، آنچه از محتوای مواد قانونی در تعریف آئین دادرسی کیفری و نهاد دادسرا آمده است، چه در ماده یک قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰ و چه در ماده یک قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، همگی حکایت از

دادگاه نیز اصراری بر الزام به حضور آنان ندارد و این در حالی است که به خصوص با اجرای قانون کاهش مجازات‌های جبس تعزیری در سال ۱۳۹۹ غالب جرایم، در زمرة جرایم در صلاحیت دادگاه‌های کیفری دو قرار گرفته که به جرایم عده زیادی از مجرمان رسیدگی می‌کند. بنابراین در چنین شرایطی تحقق یک دادرسی عادلانه محل تردید می‌باشد.

نویسنده مقاله حاضر در جایگاه دادستان، معتقد است که دادستان در کنار وظایف متنوع خود می‌تواند در ایفای نقش نمایندگان خود در محاکم با تدبیر و جدیت بیشتری اقدام کرده و مدیریت دادستان می‌تواند تلاش‌های این مقام را در کشف جرم، تعقیب و تحقیقات مقدماتی و رعایت حقوق طرفین پرونده (بزهکار و بزهده) و جامعه به ثمر نشاند. رویه کنونی دادستان‌ها در اعزام نمایندگان خود به محاکم، تابعی از تعداد پرونده‌ها نوع نگرش‌ها به امور قضایی، اهمیت پرونده‌ها و آثار اجتماعی و سیاسی آن‌هاست. تنوع پرونده‌ها و صراحت قانون بر حضور نمایندگان دادستان در جلسات دادگاه ایجاب می‌کند در این زمینه با جدیت بیشتری دنبال شود تا دادستان علاوه بر مدیریت پرونده‌ها، با اخذ گزارش از جلسات دادگاه در جریان فرایند دادرسی و سیر تحولات پرونده قرار گرفته و نقش ناظارتی خود در محاکم را به خوبی ایفا نماید. به این ترتیب که ضمن دفاع از کیفرخواست و ادله تحصیل شده و دفاع از حقوق بزهده و جامعه، در صورتی که دلایلی له متهم یافته و یا وی را که به لحاظ فقر فرهنگی، اقتصادی، سود و... مرتکب جرم گردیده و توان اختیار وکیل یا دفاع از حقوق خویش را ندارد و با وجود ارتکاب جرم، وی را مستحق یاری دید، به عنوان فردی از عموم جامعه دریافت و با مدنظر قرار دادن اصول برائت و فردی کردن مجازات‌ها، بر روند دادرسی اثر گذاشته و حسب مورد موجبات آزادی وی یا بهره‌مندی از نهادهای ارفاکی، نظیر تخفیف، تعلیق اجرای مجازات و... را فراهم کند.

باین حال در شرایط فعلی همچنان کثرت وظایف دادستان و امور جاری و کمبود کادر قضایی موجب می‌شود تا نمایندگان دادستان حتی در جلسات رسیدگی به پرونده‌های مهم، حضور پُررنگی نداشته باشند؛ و اما حضور منظم آنان در محاکم نتایج مهمی به شرح ذیل را در پی دارد:

- حضور نماینده دادستان در محاکم تضمین‌کننده حقوق طرفین و جامعه برای رسیدن به یک دادرسی عادلانه است.

که از وکلای تسخیری یا معارضتی برای متهم استفاده می‌شود، وکلا چندان تمایل و جدیتی برای پیگیری و دفاع واقعی از حقوق متهم نشان نمی‌دهند و نقش خود را به عنوان یک وکیل مدافع به درستی ایفا نمی‌نمایند؛ و لازمه یک دادرسی عادلانه، رعایت و حمایت‌های حداقلی مذکور از متهم و حقوق او در کنار حقوق بزهده و جامعه است که او نیز در کنار دست-اندرکاران عدالت کیفری به اهداف اصلی مجازات‌ها که همان دوباره اجتماعی شدن است، بنگرد (بکاریا، ۱۳۸۰: ۱۴).

نقش نماینده دادستان در پرونده‌ها با توجه به موضوع آن حتی در جرائم مشابه متفاوت است. در پرونده‌های جرایم سنگین مانند قتل، سرقت مسلحانه، آدمربایی، مفاسد کلان اقتصادی و... وقت زیادی از نماینده دادستان، صرف قرائت کیفرخواست و ادله تحصیل شده، پاسخ به ایرادات، سوالات و دفاعیات متهم یا وکیل وی می‌شود. مکلف شدن نمایندگان دادستان به ارائه گزارش کتبی از نحوه اقدامات خود در دادگاه در دستورکار برخی دادستانی‌ها قرار گرفته است (جعفری دولت آبادی، ۱۳۹۰: ۵).

به این ترتیب، نماینده دادستان فرایند دادرسی را به دادستان گزارش داده و از این طریق دادستان را در مسیر تحولات پرونده قرار می‌دهد که البته این موارد را تنها در برخی پرونده‌ها به صورت محدود و در حد نمایش قانون مشاهده می‌شود و هرچند از زمان حاکمیت قانون احیاء دادسرا در سال ۱۳۸۱ و قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ شاهد نقض آراء محدودی به لحاظ عدم حضور نماینده دادستان در جلسات دادگاه از سوی برخی همکاران قبل مشاهده است؛ اما واقعیت این است که از سابق تاکنون به لحاظ کثرت وظایف و امور جاری دادستان و کمبود کادر قضایی، نمایندگان دادستان یا اغلب در جلسات دادگاه حضور ندارند و سعی بر رعایت مقررات شکلی و امضای صورت جلسات دادگاه بعد از پایان جلسه می‌گردد (آن هم در پرونده‌های در صلاحیت دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود) و یا اگر به صورت محدود حضور دارند به قرائت کیفرخواست اکتفا کرده و کُنش فعالانه تا پایان جلسه دادگاه ندارند و در مواردی هم که حضور فعالانه دارند، همانند گذشته سعی در دفاع از کیفرخواست و دلایل خود داشته و به حقوق متهم و حصول یک دادرسی منصفانه توجیهی نمی‌کنند. در پرونده‌های در صلاحیت دادگاه کیفری دو که عملاً دادستان خود و نماینده‌اش را ملزم به حضور در جلسات دادگاه نمی‌داند و

حبس‌های تعزیری در سال ۱۳۹۹ به صلاحیت این دادگاه‌ها افزوده شده، رعایت این اصل و تحقق دادرسی عدالته را با تردید مواجه ساخته است. بنابراین دادستان با توجه به اختیارات، امکانات و استقلالی که در انجام تحقیقات مقدماتی بر عهده دارد، می‌تواند دلایل لازم به منظور اثبات نظر خود، یعنی مجرمیت متهم را تحصیل به محضر دادگاه کیفری ارائه کند (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۳۲). رسیدگی ترافعی در دادگاه بدین معنا است که قاضی کیفری به عنوان فردی بی‌طرف و مستقل، در ترافع دلایل متهم و دادستان، به ارزیابی پرداخته و نظر خود را به عنوان شخص ثالث بی‌طرف در قالب رأی صادر کند. رسیدگی ترافعی به حقوق دفاعی متهم کمک می‌کند؛ بدین صورت که متهم تاکنون در مرحله تحقیقات مقدماتی با محدودیت‌های مختلفی مواجه بوده، همانکنون می‌تواند در مقابل دادستان دلایل خود مبنی بر بی‌گناهی را ارائه کند؛ هرچند امروزه رعایت اصل تساوی سلاخ‌ها در رسیدگی‌های کیفری، مستلزم این است که حتی در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز متهم همانند دادستان از ابزارهای مساوی برای اثبات بی‌گناهی خود برخوردار باشند. بنابراین نه تنها کار دادستان با صدور کیفرخواست به پایان نرسیده است، بلکه بخش دشوارتر دیگری با صدور کیفرخواست آغاز می‌شود؛ به عبارت دیگر دادستان در حال حاضر باید در محضر دادگاه کیفری ضمن دفاع از کیفرخواست و دلایل تحصیل شده در مرحله تحقیقات مقدماتی، می‌بایست در طول جلسات رسیدگی در مقام ترافع برآمده و در برابر متهم و وکیل مدافع وی، به دفاع از نظر خود بپردازد. باید توجه داشت که دادستان در رسیدگی کیفری یکی از اصحاب دعواست؛ هرچند با وجود تصریح قانونی به این موضوع، در عمل هنوز این ذهنیت وجود دارد که دادستان و قاضی در یک طرف دعوا و متهم در طرف دیگر قرار دارد. یکی از دلایل ایجاد این ذهنیت شاید ریشه در دلایل ساختاری داشته باشد (جوانمرد، ۱۳۹۲: ۱۴۶).

بنابراین زمانی که دادستان به عنوان یکی از اصحاب دعوا تلقی می‌شود، باید کلیه آثار آن نیز بر دادستان حمل گردد؛ یکی از این آثار ابلاغ دعوت از دادستان برای حضور در جلسات رسیدگی و حضور وی است (خزانی، ۱۳۷۷: ۱۵۱). متأسفانه در ماده ۳۰۰ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی، قانون‌گذار احتمالاً با توجه به محدودیت‌های عملی و کمبود نیروی انسانی که به هیچ وجه توجیه‌پذیر

- نماینده دادستان در فرایند دادرسی نقاط ضعف و قدرت همکاران دادسرا را دریافته و با مطرح شدن در نشست‌های قضایی و آموزش نقاط قوت و انتقال به سایر قضاوه و اعلام نقاط ضعف و برطرف کردن آن، از تکرار در موارد مشابه جلوگیری می‌شود.

- ایجاد حس رقابت در مطالعه قوانین و مطالعه دقیق‌تر پرونده توسط مقامات دادگاه و دادسرا و درنتیجه اشرافیت بیشتر، تبادل نظر و انتقال تجربه بین قضاوه دادسرا و دادگاه.

- حضور نماینده دادستان در محاکم، از تجدید اوقات رسیدگی و بالطبع اطالة رسیدگی و نقض آراء در مرحله بالاتر جلوگیری می‌کند.

- حضور منظم نماینده‌گان دادستان در فرایند رسیدگی که اغلب تؤمن با هم‌فکری و مشورت در نشست‌های قضایی بعدی می‌گردد، ضمن توانمندسازی علمی قضاوه، موجبات نظارت دادستان بر فرایند رسیدگی و برطرف شدن نقاط ضعف و رفع نواقص و آموزش همکاران در مسیر کشف جرم، تعقیب و تحقیقات مقدماتی می‌شود.

از آنچه گفته شد ضرورت حضور نماینده دادستان در جریان روند دادرسی برای یک دادرسی عدالته ضروری به نظر می‌رسد. از آنجایی که حضور نماینده دادستان در جلسه رسیدگی در انواع جرایم ممکن است متفاوت باشد، در ادامه به بررسی این موضوع و ابعاد دیگر آن پرداخته می‌شود.

### ۳- مسائل ماهوی و شکلی حضور نماینده دادستان در دادگاه

در نظامهای کیفری مختلط، رسیدگی در مرحله تحقیقات مقدماتی به صورت تفتیشی و در مرحله رسیدگی در دادگاه کیفری، به صورت ترافعی صورت می‌پذیرد؛ هرچند امروزه در بیش‌تر این‌گونه نظامها، مرحله تحقیقات مقدماتی از ماهیت تفتیشی فاصله گرفته و حتی به سوی ترافعی شدن در حال تحول است. تحولات قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی نشان می‌دهد که در نظام کیفری ایران نیز در مرحله تحقیقات مقدماتی، هرچند به ماهیت تفتیشی خود وفادار مانده، اما نشانه‌هایی از تحول و حرکت به سوی ترافعی شدن نشان می‌دهد. همچنین تفکیک دو نهاد دادسرا از دادگاه خود متناسب رعایت اصل بی‌طرفی در رسیدگی است؛ زیرا منصفانه نخواهد بود که یک نهاد واحد هم وظیفه انجام تحقیقات و هم وظیفه صدور حکم را بر عهده داشته باشد. هرچند وجود دادگاه‌های بخش مستقل، صلاحیت دادگاه‌های کیفری دو، در رسیدگی به جرائم درجه هفت که با مصوب شدن قانون کاهش

۱۳۹۰: ۱۶۵). شایان ذکر است که حضور دادستان یا نماینده وی در جلسه رسیدگی به پرونده کیفری در دادگاه کیفری یک، انقلاب در مواردی که نیاز به رسیدگی با تعدد قاضی دارد (درجه سه به بالا) و کیفری دو درصورتی که دادگاه لازم بداند، یک تکلیف قانونی است و اصولاً جلسه دادگاه نمی‌تواند بدون حضور دادستان یا نماینده وی تشکیل شده و به اتهامات متهم رسیدگی کند.

پرسش دیگری که در همینجا بر ذهن متبار می‌شود، این است که آیا دادستان یا نماینده وی به جای حضور در جلسه دادگاه می‌تواند نسبت به ارسال لایحه اقدام کند؟ در پاسخ به این سؤال نیز باید گفت که دادستان یا نماینده وی نمی‌تواند به ارسال لایحه اکتفا نماید و همان‌طور که قبلًاً عنوان شد، نقش نماینده دادستان در پرونده‌ها با توجه به موضوع آن حتی در موارد مشابه متفاوت است. ایرادات، شباهات، سوالات و دفاعیاتی در هر پرونده از سوی متهم یا وکیل وی مطرح می‌گردد که لازم است نماینده دادستان در محضر دادگاه حاضر و به آن‌ها پاسخ مقتضی داده و دعوی عمومی نیز به حال خود رها نشود. با بررسی رأی پرونده‌های متعددی که به دیوانعالی کشور صادر شده، مشاهده می‌شود عدم حضور دادستان یا نماینده وی می‌تواند در مواردی از عوامل نقص و نقض رأی در دادگاه بالاتر باشد، چهبسا رسیدگی عادلانه و صدور رأی براساس عدالت قضایی منوط به حضور ایشان باشد که روند دادرسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نظر به اینکه بنا به صراحة بند ج مادة ۱۴ (اصلاحی ۱۳۸۱/۷/۲۸) قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، شرکت دادستان و یا نماینده او، در جلسه دادگاه عمومی و جزایی و انقلاب ضروری و الزامی است، تشکیل جلسه دادگاه بدون شرکت دادستان و نماینده وی، برخلاف قانون و اصول دادرسی است. به علاوه دادنامه صادره نقض و جهت رفع نقص پرونده رسیدگی مجدد و اصدار حکم مقتضی به دادگاه صادرکننده رأی ارجاع می‌شود.

### نتیجه‌گیری

با توجه به مباحثی که مطرح شد، این گونه نتیجه‌گیری شده که نقش نماینده دادستان در پرونده‌ها، با توجه به موضوع آن حتی در جرائم مشابه متفاوت است. در پرونده‌های با جرایم سنگین مانند قتل، سرقت مسلحانه، آدمربایی و... وقت قابل توجهی از نماینده دادستان صرف کیفرخواست و پاسخ به ایرادات، سوالات و دفاعیات متهم یا وکیل وی می‌شود. از این‌رو مکلف شدن

نمی‌باشد، حضور دادستان یا نماینده وی را در دادگاه‌های کیفری دو الزامی ندانسته و آن‌ها را مفید به حضور در جلسه دادگاه و دفاع از کیفرخواست کرده است. این نظر را می‌توان با توجه به استفاده از واژه می‌توانند و مفهوم مخالف مگر اینکه دادگاه حضور این اشخاص را ضروری تشخیص دهد، استتباط کرد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که حضور دادستان یا نماینده وی، در دادگاه کیفری دو الزامی نیست، مگر اینکه دادگاه حضور آنان را الزامی بداند. از طرف دیگر حضور دادستان یا نماینده وی در دادگاه کیفری یک الزامی بوده و دادستان یا نماینده وی مکلفاند در دادگاه کیفری یک ماده ۳۱۵ قانون آئین همچنین به جهت صراحة تبصره یک ماده ۳۰۰ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در واقع شعبه‌ای از دادگاه کیفری یک است و به تصریح قسمت اخیر ماده ۳۰۰ آن قانون حضور دادستان در پرونده‌های کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان الزامی می‌باشد؛ بنابراین در مواردی که حضور نماینده دادستان در جلسات دادگاه الزامی است، با توجه به اینکه مقررات آئین دادرسی کیفری جنبه آمرانه دارد، درصورت عدم حضور دادستان یا نماینده وی، تخلف انتظامی محسوب می‌شود.

### ۴- رأی دیوان

دادسرا و در رأس آن دادستان که از وی به عنوان مدعی‌العموم تعییر می‌شود، باید از کیفرخواست صادره خویش در دادگاه رسیدگی‌کننده به پرونده دفاع کند و در مقام دفاع از حقوق جامعه مساعی خویش را در احقاق حقوق تضییع شده اجتماع به کار گیرد. به عبارت دیگر، دادستان به عنوان نماینده جامعه باید در محضر دادگاه حاضر و در مقابل دفاعیاتی که متهم و وکیل مدافع وی در برابر قاضی دادگاه ایراد می‌کنند پاسخ دهد و او نیز متقابلاً از کیفرخواستی که عليه متهم صادر کرده به‌نحوه شایسته، مستند و مستدل دفاع کند. در عمل با عنایت به کثرت پرونده‌های کیفری و اینکه در معیت هر دادگاه جزایی تنها یک دادسرا و یک دادستان وجود دارد و با توجه به وظایف دیگری که دادستان عهده‌دار انجام آن امور و تمییز آن است؛ دادیارانی که از آنان به عنوان نماینده دادستان تعییر می‌گردد، به نمایندگی از دادستان در جلسات رسیدگی به پرونده‌های کیفری در دادگاه کیفری حاضر و در جریان محاکمه، از کیفرخواست صادره از ناحیه دادسرا دفاع می‌کند (حسن‌زاده و صفرنیا شهری،

یا بهره‌مندی وی از نهادهای ارفاقی را فراهم کند؛ چراکه لفظ مدعی‌العموم اطلاق بر عام داشته و متهم را همانند سایر افراد جامعه به عنوان فردی از عموم جامعه دربرمی‌گیرد؛ و مرجع تجدیدنظر باید در صورت احراز عدم حضور دادستان یا نماینده وی در جلسه دادگاه، رأی صادره را به‌واسطه وجود این ایراد شکلی نقض نماید و از طرفی در دادگاه بدوى از موارد نقص تلقی و در راستای ماده ۳۴۲ قانون آئین دادرسی کیفری به منظور رفع نقص به دادسرا ابلاغ و نسبت به تجدید جلسه رسیدگی اقدام کند. متأسفانه حسب ماده ۳۰۰ قانون آئین دادرسی کیفری حضور دادستان و نماینده دادستان در دادگاههای کیفری دو الزامی نیست و همچنین وجود دادگاههای بخش، صلاحیت دادگاههای کیفری دو در رسیدگی به جرایم درجه هفت که با مصوب شدن قانون کاهش مجازات‌های جبس تعزیری در سال ۱۳۹۹ بر صلاحیت این دادگاهها افزوده شده و جرایمی که به صورت مستقیم می‌باشند در این دادگاهها مورد رسیدگی واقع و تحقیقات مقدماتی صورت پذیرد، نظیر پرونده‌های منافیات عفت و... رعایت اصل بی‌طرفی و تحقق دادرسی عادلانه را با تردید مواجه ساخته است.

در حال حاضر، گاه کثرت وظایف و امور جاری دادستان موجب می‌شود نماینده دادستان در جلسه رسیدگی به پرونده مهمی شرکت نکند: این درحالی است که حضور منظم نماینده‌گان دادستان در محاکم، نتایج مهمی به‌شرح زیر در پی دارد.

– دادستان نقش نظارتی خود در محاکم را به‌ نحو آگاهانه و علمی ایفا می‌کند.

– نماینده دادستان در خلال فرایند دادرسی، نقاط ضعف تحقیقات و ادله ابرازی در دادسرا و یا نقاط قوت عملکرد قاضی دادسرا را درمی‌باید و با اعلام این موارد به دادستان، از تکرار نقاط ضعف در سایر پرونده‌ها جلوگیری می‌کند.

– در پرونده‌های مهم، دادستان می‌تواند با اعزام نماینده‌گان توامند، به وظیفه نظارتی خود به‌ نحو مطلوب عمل کند.

– رفتار قضات محاکم یا نماینده‌گان دادستان می‌تواند متنضم بخی نکات آموزشی باشد؛ مانند اینکه آیا دادگاه اجازه کافی به نماینده دادستان می‌دهد تا در حد لزوم به شباهات پاسخ دهد.

– نحوه رفتار قضات محاکم با طرفین پرونده و چگونگی طرح پرسش‌ها و پاسخ‌های ابرازی و نقشی که قاضی محکمه در رسیدگی به پرونده ایفا می‌کند، از موضوعات مهمی است

نماینده‌گان دادستان به حضور در جلسات دادگاه و ارائه گزارش کتبی از نحوه اقدامات خود در دستور کار برخی دادستانی‌ها است تا به این ترتیب در جریان فرایند دادرسی و تحولات پرونده قرار گرفته و نقش نظارتی خود در محاکم را ایفا کنند. در عمل با توجه به کثرت پرونده‌های کیفری و اینکه در معیت هر دادگاه جزایی تنها یک دادسرا و یک دادستان وجود دارد، وظایف متعددی بر عهده دادستان است. بنابراین دادیاران به نماینده‌گی از دادستان در جلسات رسیدگی به پرونده‌های کیفری در دادگاه کیفری حاضر شده و در جریان محاکمه از کیفرخواست صادره از ناحیه دادسرا دفاع می‌نمایند. هرچند به لحاظ کمبود کادر قضایی در شرایط فعلی، نماینده دادستان یا عمالاً در دادگاه حضور ندارد و یا در صورت حضور به قرائت کیفرخواست اکتفا و کوشش فعالانه نداشته و به حقوق متهم و حصول یک دادرسی عادلانه توجهی نمی‌کند و در عمل در حد نمایش قانون و سعی بر رعایت مقررات شکلی و امضای صورت جلسات دادگاه بعد از پایان جلسه می‌شود. شایان ذکر است که حضور دادستان یا نماینده وی در جلسه رسیدگی به پرونده‌های دادگاه کیفری یک، کیفری یک ویژه اطفال و نوجوانان و انقلاب در مواردی که با تعدد قضای رسیدگی می‌شود (درجه سه به بالا) یک تکلیف قانونی است. چه اینکه مقررات قانون آئین دادرسی کیفری، جنبه آمرانه داشته و در صورت عدم حضور دادستان یا نماینده وی، اهمال در انجام وظایف و تخلف انتظامی محسوب می‌شود و اصولاً جلسه دادگاه نمی‌تواند بدون حضور دادستان یا نماینده وی تشکیل شده و به اتهامات متهم رسیدگی نماید. عدم حضور دادستان یا نماینده وی در جلسه دادگاه موجب می‌شود تا جلسه دادگاه فاقد رسمیت بوده و بر رسیدگی دادگاه در چنین شرایطی آثاری بار نشده و رسیدگی دادگاه فاقد اعتبار باشد؛ چراکه لازمه یک دادرسی عادلانه ایجاب می‌کند که نماینده دادستان با حضور در جلسه دادگاه، علاوه‌بر دفاع از کیفرخواست و ادله تحصیل شده و دفاع از حقوق بزه‌دیده و جامعه در صورتی که دلایلی له متهم یافت و یا با وجود ارتکاب جرم، وی را مستحق یاری دید با لحاظ و رعایت اصول برائت و برابری سلاح‌ها به عنوان یکی از اصول حاکم بر دادرسی عادلانه که حقوق طرفین دعوی و جامعه را تضمین نماید، تلاش نموده و درنهایت نیز با مدنظر قرار دادن اصل فردی‌کردن مجازات‌ها، در صورت استحقاق متهم، بر روند دادرسی اثر گذاشته و حسب مورد موجبات آزادی

به جای حضور در جلسه دادرسی مبادرت به ارسال لایحه کرده و به وسیله لایحه از کیفرخواست خود دفاع کند؛ زیرا علی‌الاصول دفاع از کیفرخواست مستلزم استماع دفاعیات متهم و کیل مدافع وی در محضر دادگاه و ارائه پاسخ مقتضی است و چنانچه دادستان یا نماینده وی در دادگاه حضور پیدا نکند، دعوی عمومی به حال خود رها شده و دادگاه نیز که مرجعی بی‌طرف محسوب می‌شود، نمی‌تواند به دفاع از حقوق اجتماع پرداخته و از مفاد کیفرخواست دادستان دفاع و یا حمایت نماید؛ چه در غیر این صورت دادگاه از بی‌طرفی خارج و صلاحیت خود را در رسیدگی به پرونده از دست خواهد داد. حضور دادستان یا نماینده وی در جلسه رسیدگی دادگاه مستلزم اطلاع این مقامات از زمان و مکان تشکیل جلسه دادرسی است؛ از این‌رو دادگاه‌ها مکلفند پس از تعیین وقت رسیدگی نسبت به ابلاغ وقت رسیدگی و محل تشکیل جلسه دادرسی به دادستان اقدام کنند و طبیعتاً با توجه به اینکه تحقیقات مقدماتی پرونده در دادسرا توسط بازپرس یا دادیاری به انجام رسیده که عهده‌دار دفاع از کیفرخواست نیست؛ از این‌رو دادستان یا نماینده وی قاعدهاً باید تا پیش از جلسه رسیدگی، پرونده را دقیقاً مورد مطالعه قرار داده تا ضمن آگاهی از موضوع اتهام یا اتهامات انتسابی به متهم از دلایل و مستنداتی که له و عليه متهم در پرونده جمع‌آوری شده، اطلاعات لازم را تحصیل نمایند تا ابزار لازم را جهت دفاع از کیفرخواست صادره را در جلسه دادگاه در اختیار داشته باشند. به علاوه باید توجه داشت که لزوم حضور دادستان در جلسات رسیدگی دادگاه محدود به پرونده‌هایی که پس از پایان تحقیقات مقدماتی در دادسرا و صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال می‌شوند نبوده و حضور دادستان یا نماینده وی در محکماتی که به موجب قانون (جرائم اطفال، جرائم مشمول حد زنا و لواط و جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها فقط تا سه‌سال حبس باشد) به صورت و بدون صدور کیفرخواست در دادگاه مطرح می‌شوند نیز ضروری است؛ زیرا حضور دادستان یا نماینده وی در جلسات رسیدگی دادگاه صرفاً جهت دفاع از کیفرخواست، وظیفه نظارت بر حسن اجرای قانون در جریان محکمات کیفری و در صورت امکان، تجدیدنظرخواهی از آراء صادره از محکم جزائی را نیز بر عهده دارد و در مواردی که رأی برائت صادره از دادگاه را بنا به جهاتی برخلاف قانون و یا مخالف با منافع اجتماع تشخیص دهد و یا عقیده بر محکومیت

که نماینده‌گان دادستان به آن توجه داشته و نسبت به آن اشراف می‌یابند.

- حضور نماینده‌گان دادستان در محاکم، از تجدید اوقات رسیدگی و بالطبع اطالة دادرسی جلوگیری می‌کند.

- هم‌فکری و مشورت نماینده‌گان دادستان درخصوص پرونده‌های پیچیده، بر توانایی علمی همکاران قضایی می‌افزاید.

- اجتناب از شرکت در جلسات دادگاه‌هایی که دعواً مطرح در آن‌ها به دادستان ارتباطی ندارد، از جمله مزایایی است که نماینده‌گان هوشیار دادستان به آن توجه خواهند کرد.

- حضور نماینده‌گان دادستان در محاکم، موجب می‌شود زمینه‌های استفاده از تجارب همکاران محاکم، برای نماینده‌گان دادستان و نیز انتقال این تجربیات به قضاة جدیدالورود دادسرا فراهم شود.

- حضور قوی و کارآمد نماینده‌گان دادستان، موجبات نظارت دادستان بر فرایند رسیدگی و اصلاح فرایند دادرسی و رفع نواقص را در مسیر کشف جرم، تعقیب و تحقیقات مقدماتی فراهم می‌آورد.

با عنایت به کثرت پرونده‌های کیفری و اینکه در معیت هر دادگاه جزائی تنها یک دادسرا و یک دادستان وجود دارد و با توجه به وظایف دیگری که دادستان عهده‌دار انجام آن امور و تمثیلت آن است؛ دادیارانی که از آنان به نماینده دادستان تعبیر می‌شود، به نماینده‌گی از دادستان در جلسات رسیدگی به پرونده‌های کیفری در دادگاه کیفری حاضر و در جریان محکمه، از کیفرخواست صادره از ناحیه دادسرا دفاع می‌کنند. شایان ذکر است که حضور دادستان یا نماینده وی در جلسه رسیدگی به پرونده کیفری در دادگاه عمومی جزائی، انقلاب و دادگاه کیفری استان یک تکلیف قانونی است و اصولاً جلسه دادگاه نمی‌تواند بدون حضور دادستان یا نماینده وی تشکیل شده و به اتهامات متهم رسیدگی نماید. به موجب نص صریح مقررات بند «ج» ماده ۱۴ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، دادگاه در صورت عدم حضور دادستان یا نماینده وی فاقد رسمیت بوده و بر رسیدگی دادگاه در چنین شرایطی اثاری بار نشده و رسیدگی دادگاه فاقد اعتبار است و مرجع تجدیدنظر باید در صورت احراز عدم حضور دادستان یا نماینده وی در جلسه دادگاه رأی صادره را به واسطه وجود این ایراد شکلی نقض کند. اهمیت حضور دادستان یا نماینده وی در جلسات رسیدگی دادگاه تا بدان جاست که دادستان نمی‌تواند

جایگاه اصلی خویش اعاده شده و به ایفای نقش مؤثری که قانون برای آنان تعیین کرده، اقدام کنند.

### ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

### تقدیر و تشکر

از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله باری رسانده‌اند، کمال تشکر را دارد.

### سهم نویسنده‌گان

نگارش این مقاله بر اساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش مشترکاً توسط نویسنده‌گان صورت گرفته است.

### تضاد منافع

این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

### منابع و مأخذ

#### الف- منابع فارسی

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳). حقوق جزای عمومی. جلد اول. چاپ سی و سوم. تهران: میزان.

- آخوندی، محمود (۱۳۷۸). «حق بهره‌مندی از محاکمه عادلانه». مجله حقوقی دادگستری. ۲۷: ۹-۱۶.

- آشوری، محمد (۱۳۷۵). آئین دادرسی کیفری. جلد اول. چاپ اول. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

- آشوری، محمد (۱۳۸۸). «اصل برائت و آثار آن در امور کیفری». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. ۴۷-۶۴: ۲۹.

- بکاریا، سزار (۱۳۸۰). رساله جرایم و مجازات‌ها. چاپ دوم. مترجم: محمدعلی اردبیلی. تهران: میزان.

- ترشل، استفان و سامرزا، سارا (۱۳۸۵). «دادرسی عادلانه در امور جنائي». مترجم: علی شایان. نشریه حقوقی دادگستری. ۵۶ و ۵۷: ۳۱۰.

- جعفری دولت‌آبادی، عباس (۱۳۹۰). «نقش نماینده دادستان در دادگاه، حضور شکلی یا اعمال نظارت». نشریه تعلیم حقوق. ۳: ۵-۹.

- جوانمرد، بهروز (۱۳۹۲). فرایند دادرسی در حقوق کیفری ایران. چاپ اول. تهران: بهنامی.

غیرقانونی متهم داشته باشد، می‌تواند پس از اطلاع از رأی دادگاه و در فرجه مقرر قانونی به آن اعتراض کند. شایان ذکر است که حضور دادستان یا نماینده وی حسب نص صريح مقررات ماده ۲۲ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در دادگاه تجدیدنظر نیز الزامی است.

با این حال اشکال عده‌ای که وجود دارد آن است که در حال حاضر و در رویه عملی به‌واسطه کمبود نیروی انسانی در دادسرا که عنوان نماینده‌گی دادستان را در دادگاه برعهده داشته باشند؛ عدمه محاکمات کیفری بدون حضور دادستان یا نماینده وی انجام می‌شود و دادگاه‌های کیفری در مقام رسیدگی به پرونده‌های مطروحه در نزد آنان صرفاً به صورت جلسه کردن صوری حضور نماینده دادستان که حتی مشخصات هویتی وی نیز برای دادگاه در زمان تنظیم صورت جلسه رسیدگی مجھول است بسنه کرده و منتظر امضای صورت مجلس دادرسی توسط نماینده دادستان در آینده می‌مانند که بدین ترتیب باید گفت که در حال حاضر هرچند دعوى عمومى اسمًا دارای صاحب است، ولی عملاً بلاصاحب تلقی می‌شود. به علاوه در مواردی نیز که نماینده‌گان داسرا در جلسه رسیدگی دادگاه حاضر می‌گردند، حضور آنان صرفاً حضوری تشریفاتی و بی‌اثر است؛ چراکه نماینده‌گان دادستان، یا زحمت مطالعه پرونده را پیش از جلسه دادرسی به‌خود نمی‌دهند و یا به‌واسطه کمبود وقت و تعدد اشتغال، فرصتی جهت مطالعه پرونده محاکماتی و کسب اطلاعات لازم از پرونده را نداشته و در جلسه دادرسی نیز به صرف قرائت مفاد کیفرخواست و درخواست صدور حکم محکومیت متهم به‌شرح کیفرخواست صادره از دادسرا بسنه می‌کنند و بدین ترتیب توانایی و تسلط لازم را در جهت پاسخ‌گویی به ایرادات و دفاعیات وکیل مدافع متهم را نداشته و حقوق اجتماع را که وظیفه دفاع از آن به‌عهده ایشان واگذار شده را در معرض خطر تضییع قرار می‌دهند.

با این حال، چنانچه دادستان‌ها و نماینده‌گان آنان به تکالیف قانونی خویش دایر بر حضور در دادگاه کیفری عمل کنند و در جلسات دادرسی نیز حضوری موثر داشته باشند، در این صورت دادگاه نیز که مرتعی بی‌طرف محسوب می‌شود، عملاً نیز بی‌طرف باقی مانده و قاضی دادگاه در جریان رسیدگی نیازی به ایفای نقش نماینده دادستان و سرانجام خروج به اجراء از بی‌طرفی را نخواهد داشت. از این‌رو ضروری است تمهیداتی اندیشه‌یده شود تا دادستان‌ها در جریان محاکمات کیفری به

- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. چاپ اول. تهران: میزان.
- قوانين
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- ب- منابع انگلیسی

- Reid Karen (2004). *A Practitioners' Guide to the European Convention on Human Rights*. 2nd Edition. Sweet and Maxwell.
- Synmonides, Janusz (2000). *Human Rights: Concept and Standards*. UNESCO.
- Leach, Philip (2005). *Taking case to the European Court of Human convention on Human Rights*. Second Edition. Oxford University Press.

- حسن‌زاده، مهدی و صفرنیا شهری، محمدرضا (۱۳۹۰). «اعتبار اظهارنظر دادیار». *مجله حقوقی دادگستری*، ۷۵، ۷۵-۱۸۳.
- ۱۵۷
- خالقی، علی (۱۳۹۴). آئین دادرسی کیفری. چاپ اول. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- خزانی، منوچهر (۱۳۷۷). فرایند کیفری. چاپ اول. تهران: گنج دانش.
- رحمدل، منصور (۱۳۸۸). *دادلنه و مقررات دادرسی کیفری ایران*. تازه‌های علوم جنایی؛ زیرنظر دکتر علی‌حسین نجفی ابرندآبادی. چاپ اول. تهران: میزان.
- رستمی، ولی؛ آقایی‌طوق، مسلم و لطفی، حسن (۱۳۸۹). *دادرسی عادلانه در مراجع اختصاصی اداری ایران*. چاپ اول. تهران: گرایش.
- عباسی، بیژن (۱۳۹۰). حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین. چاپ دوم. تهران: دادگستر.
- فضائلی، مصطفی (۱۳۸۹). *دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین‌المللی*. چاپ دوم. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۸). *حقوق بشر در جهان معاصر*. جلد اول. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- قربانی، علی (۱۳۹۰). *دادرسی منصفانه در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر*. چاپ اول. قم: حقوق امروز.
- قورچی‌بیگی، مجید (۱۳۹۵). «ضرورت حضور نماینده دادستان در دادگاه از حضور صرف تا کُنش فعالانه». رویه قضایی حقوق کیفری ایران، ۱: ۱۰۹-۱۰۳.
- محمدی گیلانی، محمد (۱۳۸۰). *قضا و قضاوت در اسلام*. چاپ پنجم. تهران: المهدی.
- مدنی، سیدجلال الدین (۱۳۸۸). *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*. چاپ چهاردهم. تهران: وفا.
- معاونت آموزش دادگستری تهران (۱۳۸۲). *مجموعه دیدگاه‌های حقوقی و قضایی دادگستری استان تهران*. جلد چهارم. تهران: بی‌نا.
- ناجی‌زواره، مرتضی (۱۳۹۸). *دیباچه آئین دادرسی کیفری*. چاپ اول. تهران: خرسندی.
- نقره‌کار، محمدصالح (۱۳۸۸). *نقش دادستان در صیانت از حقوق عمame*. چاپ اول. تهران: جاودانه جنگل.



Volume 3, Issue 4, 2022

## The Presence of the Prosecutor's Representative in Court and Its Impact on a Fair Trial

Bagher Shamloo<sup>1</sup>, Alireza Saybani<sup>2</sup>, Mohammad Reza Nezafat<sup>3\*</sup>

1. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran.

3. PhD Student, Department of Law, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 45-58

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0000-0000-0000

TELL: 000000000000

Email: m.r.nezafat1400@gmail.com

Article history:

Received: 29 Sep 2022

Revised: 24 Dec 2022

Accepted: 30 Dec 2022

Published online: 22 Dec 2022

Keywords:

Equality of Arms, Court Hearing, Fair Trial, Law, Representative of the Prosecutor.

### ABSTRACT

The role of the prosecutor's representative in cases varies according to its subject matter, even in similar crimes. He reports the trial process to the prosecutor, and through this, the prosecutor is informed about the developments in the case. Therefore, in this study, it examines and analyzes the objective sample of a lawsuit and, by stating the verdict issued by the court, examines the issue that the absence of the prosecutor or his representative in the hearing will lead to the violation of the verdict or Not? The results show unlike the former, the prosecutor and his representative urge that in court hearings, in addition to defending the indictment and the evidence obtained by observing and observing the principle of equality of arms, guarantee the rights of the litigants and society, and finally taking into account the individual principle. The imposition of penalties, if the defendant deserves it, will affect the trial process and enable him to benefit from benevolent institutions.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

**How to Cite This Article:** Shamloo, B; Saybani, AR & Nazafat, MR (2022). "The Presence of the Prosecutor's Representative in Court and Its Impact on a Fair Trial". *Journal of Contemporary Legal Thought*, 3(4): 45-58.